

دیدگاه

واکنش نامطلوب واشنگتن به جنایت تل آویو

مها یحیی ، کارشناس «بنیاد کارنگی» در یادداشتی به بررسی پیامدهای جنایت اسرائیل در حمله به سفارت ایران در دمشق پرداخته است. او با مهم خواندن اهداف این حمله تروریستی به چهره‌هایی که در این حمله به شهادت رسیدند، پرداخته و می‌افزاید:

سردار زاهدی که پیش‌تر فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران بوده، ضمن روابط بسیار نزدیک با حزب‌الله و همچنین با یشار اسد، ریاست‌جمهوری سوریه؛ هدایت فرایند‌های تقویت تسلیحاتی حزب‌الله را برعهده داشته است. همچنین سردار حسین امان‌اللهی، مسئول ستادی امور سوریه و لبنان محمدهادی حاج‌رحیمی ، مسئول حوزه فلسطین در نیروی قدس بوده‌اند.

مها یحیی با بیان اینکه عملیات طوفان الاقصی سبب شد تا اسرائیل روند تهاجمی‌تری را نسبت به نیروهای ایرانی در منطقه در پیش بگیرد، ادامه داد: اسرائیل در حمله اخیر از یک سو دایره اهداف را به فرماندهان عالی‌رتبه گسترش داده و از سوی دیگر قلب دمشق و همچنین لبنان را هدف قرار داده است. شدت این حمله به گونه‌ای بوده که «ایالات متحده را وادار کرد تا فوراً طی بیانیه‌ای دخالت در این حمله را رد کند». حتی عربستان و امارات نیز این حمله را محکوم کردند.

این تحلیلگر با انتقاد از متداول شدن حمله به مکان دیپلماتیک یک کشور می‌افزاید : چنین حمله‌ای قبح حمله به اماکن دیپلماتیک را زدوده و باعث می‌شود تا باب حمله به مراکز دیپلماتیک دیگر دولت‌ها گشوده شود و به یک اقدام متعارف در روند مناقشات بین‌الملل تبدیل شود. او به همین دلیل به آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل توصیه می‌کند که ضمن مهار اسرائیل، مانع نقض نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد دیپلماتیک» شوند. به اعتقاد او تا زمانی که اقدامات اسرائیل مهار نشود، هنوز ممکن است رخدادهای بدتری در راه باشد. کارشناس «بنیاد کارنگی» همچنین واکنش شورای امنیت سازمان ملل درباره حمله اسرائیل به دمشق را غیرسازنده خواند و افزود: علاوه بر شورای امنیت، واکنش آمریکا هم نامطلوب بود که به نوعی، ایران را مقصر بروز چنین حمله‌ای دانست. این حمایت یکطرفه از اسرائیل باعث می‌شود نتوان هر اقدام احتمالی از سوی ایران را مدیریت کرد.

گرچه به اعتقاد او مدیریت اقدام ایران از طریق موازنه قدرت در منطقه و ملاحظات پیامدهای نظامی و حتی اقتصادی، مسأله دیگری در این موضوع است.

اندیشکده کوئینسی، مواضع اروپا درباره حمله اسرائیل

به کنسولگری ایران ر بررسی کرد

ناتوانی اروپایی هادر

کنترل آتش افروزی صهیونیست ها



به نظر می‌رسد که جنگ غزه انگیزه‌های قبلی قدرتمند اسرائیل برای تشدید نظامی بیشتر با ایران را تقویت هم کرده باشد. رهبران اسرائیل پیش و پس از جنگ غزه در چهارچوب همین دیدگاه عمل می‌کردند که درگیری با ایران می‌تواند محدود بماند؛ به این معنا که اسرائیل اهداف خود را در تضعیف محور ایران دنبال کرده و همزمان روابطش با کشورهای عربی را - که از ایران در هراس هستند- بهبود بخشد.

ریسک پرخطر

اسرائیل با این تصور که با چندان محدودیتی در تلاش برای تضعیف ایران و نیابتی‌هایش روبه‌رو نیست، تن به ریسک چشمگیری می‌دهد. چه بسا ایران در نقطه‌ای احساس کند که باید ضرورتاً به‌صورت مستقیم واکنش نشان دهد و به نظر می‌رسد که اکنون این وضعیت شکل گرفته است. شاید هم اسرائیل چنین ریسک‌هایی را قابل مدیریت بداند اما تصور برخورداری از یک مصونیت بالا یک رویکرد خطرناک است که می‌تواند منافع و جان امریکایی‌ها را مستقیماً به خطر اندازد.

به نظر می‌رسد که جنگ غزه انگیزه‌های قبلی قدرتمند اسرائیل برای تشدید نظامی بیشتر با ایران را تقویت هم کرده باشد. رهبران اسرائیل پیش و پس از جنگ غزه در چهارچوب همین دیدگاه عمل می‌کردند که درگیری با ایران می‌تواند محدود بماند؛ به این معنا که اسرائیل اهداف خود را در تضعیف محور ایران دنبال کرده و همزمان روابطش با کشورهای عربی را - که از ایران در هراس هستند- بهبود بخشد. این نگاه حتی پیش از جنگ غزه هم نادرستی خود را نشان داد اما در هنگامه جنگ غزه و کشتار غیرنظامیان فلسطینی در مقیاسی غیرقابل‌تصور، اسرائیل با آتش بازی می‌کند. این خطر وجود دارد که اسرائیل در نقطه‌ای، بهایی سنگین‌تر از پیش‌بینی‌اش برای این حملات بپردازد و محتمل است که آمریکا هم چنین بهایی را بپردازد.

استفاده تهران از فرصت

در حالی‌که خاورمیانه در پی حمله به سفارت ایران در سوریه که گمان می‌رود کار اسرائیل باشد، هنوز در آستانه جنگ قرار دارد، وزارت خارجه ایران با استفاده از فرصت در روزی که نصاد حمایت منطقه از فلسطینی‌هاست، یک بار دیگر طرح تهران را برای حل و فصل دموکراتیک این منازعه چنددهه‌ای ارائه داد. در این بیانیه آمده است: «اکنون فرصتی فراهم است تا به یک راه‌حل معتبر، مسئولانه و واقعی برای این منازعه برسیم. ما به یک راه‌حل معتبر، شامل ساکنان اصلی فلسطین از جمله مسیحیان، مسلمانان و یهودیان می‌شود، حل و فصل کرد. یافت جمعیتی همیشه یک مسأله حساس فلسطینی - اسرائیلی - فلسطینی بوده‌است. حدود ۱۵ میلیون نفر جمعیت در اسرائیل، غزه و کرانه باختری زندگی می‌کنند که حدود نیمی از آنان یهودی و بقیه عرب‌های اسرائیلی و فلسطینی هستند که هرگونه فرزندومی را به یک مسأله غامض برای دو طرف تبدیل می‌کند.



تحلیل «دالیا داسا‌کای» در فارین افروز درباره ابعاد و پیامدهای حمله

به ساختمان دیپلماتیک ایران در دمشق

اسرائیل با آتش بازی می‌کند

تحلیل

اسرائیل با حمله به ساختمان دیپلماتیک ایران از خط قرمز دیگری عبور کرد. «دالیا داسا»، صاحب‌نظر مسائل بین‌الملل و استاد دانشگاه بین‌المللی «یو.سی.ال.ای» مقاله خود در «فارین افروز» را با این مقدمه آغاز کرده است. او با اشاره به اینکه از منظر ایران و بسیاری از کشورهای دیگر حمله به ساختمان دیپلماتیک ایران همانند حمله به قلمروی آن محسوب می‌شود، گفت: این حمله احتمالاً نشان می‌دهد که دولت اسرائیل برای این بار است که اکنون زمان اقدام علیه اهداف نظامی ایران، هر هدف نظامی‌ای که باشد، فرارسیده و می‌تواند از پیامدهای آن نسبتاً مصون بماند. با ادعای دولت اسرائیل، ایران اکنون تا آن اندازه دست بسته است که امکان ندارد چنان واکنشی نشان دهد که سبب به شعله کشیدن یک جنگ منطقه‌ای شود. این نوع نگاه اسرائیل باعث شده تا تصور کند جنگ غزه به جای آنکه فضای مانورش علیه ایران و متحدانش را محدود کند، گسترش هم داده است. «داسا کای» می‌افزاید: اگر چنین باشد، ممکن است اسرائیلی‌ها فضای غیرقابل پیش‌بینی منطقه‌ای را دست‌کم گرفته باشند. این حمله شاید به این معنی باشد که این اقدام اسرائیل بر اساس یک پیش‌بینی نادرست صورت گرفته است و می‌تواند نه تنها پیامدهای خطرناکی برای اسرائیل که برای همه منطقه داشته باشد.

کارزار هدفمند علیه ایران

این تحلیلگر بین‌الملل با اشاره به اینکه دامنه و سرشت حملات اسرائیل در گذر سال‌ها از تمرکز بر هدف قرار دادن تسلیحات نظامی

نظامی ایران تغییر کرده است. در واقع حمله اخیر، ادامه همان الگوی حملات اسرائیل بر اهداف بسیار ارزشمند ایران در سوریه و فراتر از آن در ماه‌های اخیر است. پس از حمله هفتم اکتبر حماس، اسرائیل می‌توانست کارزار گسترده‌تر منطقه‌ای‌اش علیه ایران را محدود ساخته و بر تهدیدهای فوری که از غزه سرچشمه می‌گرفت تمرکز کند، بویژه که حزب‌الله لبنان ظاهراً تمایلی به پیوستن به جنگ حماس نشان نداد.

اسرائیل همچنین می‌توانست این جنگ را با توجه به شکنندگی رو به تزاید منطقه و تمایل زیاد آمریکا به محدود نگه داشتن جنگ و پرهیز از رویارویی مستقیم با ایران پیش ببرد، اما به نظر می‌رسد که نتانیاہو و کابینه نظامی‌اش، مسیر متفاوتی را انتخاب کرده باشند.

ادامه استراتژی «زدن سر هشت پا»

به اعتقاد «دالیا داسا» ۶ ماه پس از آغاز جنگ غزه، اسرائیل در حال تشدید کارزار منطقه‌ای خود است. این کار پیامد منطقی چیزی است

که نفتالی بنت در سال ۲۰۱۸، آن را استراتژی «زدن سر هشت پا» نامگذاری کرد. اسرائیل معتقد است که ضرورت دارد مستقیماً با ایران رویارو شود و فقط به سراغ نیروهای نیابتی نرود. اسرائیل به پیروی از این راه‌برد، می‌خواهد ایران را برای اقدامات شبه‌نظامیان منطقه‌ای‌اش، پاسخگو کند حتی اگر ایران به اشکال مختلف روی این شبکه غیرمتمرکز کنترل داشته باشد. برخی ناظران بر این باورند که اسرائیل سعی دارد ایران را به ورود به جنگ تحریک کند اما شاید عکس این منطق درست باشد. اسرائیل در حال حاضر روی این مسأله شرط‌بندی کرده است که ایران دست بسته بماند و در منگنه است چرا که نگران اقدامات تلافی‌جویانه‌ای است که می‌تواند حملات مستقیم اسرائیل به قلمروش را برانگیزد، بنابراین اکنون اسرائیل، ایران را در یک موقعیت آسیب‌پذیر سیاسی و اقتصادی می‌بیند، حتی اگر برخی تحلیلگران بر این باور باشند که با جنگ غزه و همکاری نظامی بیشتر

با روسیه، دست ایران قوی‌تر شده است. در این خصوص در اسرائیل دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ یک دیدگاه رایج معتقد است که ایران بعد از سردار سلیمانی ضعیف‌تر شد و نتوانست انتقام او را چنان که وعده داده بود، بگیرد. دیدگاه دیگر هم می‌گوید ترور سردار سلیمانی فضای مبارزه علیه اسرائیل و آمریکا در منطقه را افزایش داد.

تداوم فعالیت گروه‌های

مقاومت

توانمندی گسترش یافته گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ترور شدن سردار سلیمانی نتوانست به طور ریشه‌ای توانایی این بازیگران را برای وارد کردن آسیب جدی در سراسر منطقه از میان ببرد. با این حال، اسرائیل در این برداشت خود اشتباه نمی‌کند که پس از آغاز حملات اسرائیل در سوریه و لبنان در ۶ ماه گذشته، ایران و حزب‌الله کار چندان‌کی برای تلافی انجام ندادند. احتمالاً اسرائیلی‌ها این لحظه را یک فرصت برای تضعیف بیشتر ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش می‌بینند بویژه که از حمایت کامل واشنگتن برخوردارند می‌دانند که جهان علیه آنهاست. شاید اسرائیل اطمینان دارد که می‌تواند بی‌آنکه حزب‌الله یا ایران وارد جنگ مستقیمی شوند، محدوده‌ها را بشکند. به عبارت دیگر، چه بسا هدف اسرائیلی‌ها از تشدید حملات نظامی‌شان این نیست که ایران را تحریک به جنگ مستقیم کنند، بلکه این گونه فکری می‌کنند که ایران

ترجمه

«الدار ممدوف»، تحلیلگر اندیشکده کوئینسی در تحلیلی به حمله اخیر اسرائیل علیه ایران در دمشق پرداخته و رویکرد اروپا در قبال این حمله را مورد توجه قرارداده است. در این مقاله آمده است: پس از حمله دمشق، تهران زیر فشار فزاینده نهادهای داخلی و متحدان منطقه‌ای قرار گرفته است تا واکنش قدرتمندی نشان دهد زیرا نمایش یک تصویر ضعیف، می‌تواند تجاوزات بیشتری را در پی داشته باشد.

سرشت دقیق، گسترده و زمان‌بندی واکنش ایران هنوز مشخص نشده است اما نخستین نشانه‌ها، همان‌طور که انتظار می‌رفت، حکایت از آن دارد که حمله اخیر به دمشق، یک واکنش قدرتمندتر را به دنبال داشته باشد. در پی نشست شورای عالی امنیت ملی ایران، رهبرجمهوری اسلامی وعده یک واکنش نیرومند را داد که تحلیلگران آن را به عنوان پاسخ مستقیم ایران و نه از طریق نیابتی‌هایش تعبیر کردند. این کار هم به نوبه خود به تشدید بیشتر تنش می‌انجامد.

پیوندهای دیپلماتیک خود با همه بازیگران منطقه استفاده کنند تا از گسترش جنگ جلوگیری شود. این تلاش، ایران را هم در برمی‌گیرد که اتحادیه اروپایی و کشورهای عضو آن، برخلاف آمریکا دارای روابط مستقیمی با آن هستند.

خودداری اروپایی‌ها از محکوم کردن اسرائیل

اتحادیه اروپایی نمی‌تواند فشار معتبری علیه تهران به خاطر حمایت از متحدان منطقه‌ای‌اش وارد کند اگر خودش قادر یا مایل به محدودکردن اسرائیل نباشد.

به نظر می‌رسد که جنگ غزه انگیزه‌های قبلی قدرتمند اسرائیل برای تشدید نظامی بیشتر با ایران را تقویت هم کرده باشد. رهبران اسرائیل پیش و پس از جنگ غزه در چهارچوب همین دیدگاه عمل می‌کردند که درگیری با ایران می‌تواند محدود بماند؛ به این معنا که اسرائیل اهداف خود را در تضعیف محور ایران دنبال کرده و همزمان روابطش با کشورهای عربی را - که از ایران در هراس هستند- بهبود بخشد.